

نقش شیطان در جهان از دیدگاه قرآن و عهدین

h.nazarpour@ltr.ui.ac.ir
marziyehdezhfar@gmail.com

کامد نظریور / استادیار ادیان و عرفان گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان
مرضیه دژفر / دانشجوی کارشناسی ارشد شیعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان
دریافت: ۹۸/۱۲/۱۹ پذیرش: ۹۹/۰۵/۰۵

چکیده

یکی از مسائل مهم در الهیات ادیان مختلف، مسئله شر است. از جمله موضوعات حوزه مسئله شر، شیطان و نقش او در جهان است. در متون مقدس اسلام، مسیحیت و یهودیت، یعنی قرآن و عهدین، موضوع شیطان جایگاه خاصی دارد. هدف این مقاله بررسی نقش شیطان از دیدگاه قرآن کریم و عهدین است. این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با رویکرد مقایسه‌ای انجام می‌شود. در قرآن کریم و عهدین، شیطان در نقش دشمنی با انسان و پیامبران و همچنین آزمایشگر و امتحان‌کننده انسان معرفی می‌شود. در عهد قدیم دو نقش دیگر برای شیطان بیان می‌شود: تهمت‌زننده و کارگزار خداوند بودن. شیطان در عهد قدیم در اغلب موارد، شخصیتی شرورانه ندارد و کارگزار خداست. قرآن کریم نیز نقش‌های کافر، ولی و خدمتکاری را برای شیطان بیان می‌کند که در عهدین دیده نمی‌شود. شباهت‌ها با توجه به منشأ وحیانی مشترک این متون مقدس قابل تبیین است. تفاوت‌ها می‌تواند ناشی از تحریف عهد قدیم باشد.

کلیدواژه‌ها: شیطان، قرآن، عهد قدیم، عهد جدید، دشمن انسان، کارگزار خداوند.

مقدمه

این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با رویکرد مقایسه‌ای انجام می‌شود. رویکرد مقایسه‌ای، شناخت یک پدیدار یا دیدگاه در پرتو مقایسه است. منظور از مقایسه، توصیف و تبیین مواضع خلاف و وفاق است (فرامرزقراملکی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۴). در رویکرد مقایسه‌ای معمولاً از دو روش استفاده می‌شود، روش اول: بیان جداگانه دیدگاه‌های مختلف درباره یک موضوع و سپس مقایسه آنهاست. روش دوم: مقایسه دیدگاه‌ها در ضمن معرفی آنهاست. پژوهش حاضر به شیوه نخست ارائه می‌شود. بررسی مقایسه‌ای موجب فهم بهتر مسئله و مقدمه گفت‌وگوی پیروان ادیان و حل مسائل مشترک می‌شود. همچنین تبیین تفاوت‌های متون مقدس در یک مسئله، منجر به شناخت عمیق‌تر آن می‌شود. براین اساس، ابتدا این موضوع را به صورت مستقل در قرآن و عهدین بررسی، و سپس دیدگاه این متون مقدس درباره نقش شیطان مقایسه می‌شود.

۱. نقش شیطان در قرآن

قرآن کریم در ۳۶ سوره به معرفی شیطان پرداخته است. این کلمه ۷۰ مرتبه به شکل مفرد به کار رفته است که شش بار آن (نساء: ۱۱۷؛ حجر: ۱۷؛ حج: ۳؛ صافات: ۷؛ زخرف: ۳۶؛ تکویر: ۲۵) به صورت نکره است. این واژه ۱۸ بار به صورت جمع، یعنی «شیاطین» استفاده شده است. این کلمه به لحاظ لغوی با واژه عبری شاطان (שָׁטָן) مرتبط است. هرچند چگونگی ورود این لغت به زبان عربی واضح نیست، اغلب تصور می‌شود که به وسیله زبان‌های مسیحی، به‌ویژه زبان حبشی وارد این زبان شده است (ریبین، ۲۰۰۱، ج ۱، ص ۵۲۴؛ همو، ۱۹۸۶، ج ۹، ص ۴۰۸).

لفظ عربی شیطان از ریشه «شطن» به معنای دور شدن و مخالفت است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۳۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۸۳؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۶ ص ۶۰). شیطان نیز به معنای دور شده از رحمت الهی است. البته برخی معتقدند شیطان از ریشه «شاط» به معنای خشم است. برخی نیز شیطان را اسمی برای هر فرد پلید و بدخوی از جنس انسان، شیطان و حیوان می‌دانند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۴۶۳). در عربی شیطان اسم عام (اسم جنس) است و اسم خاص و علم نیست. شیطان در قرآن کریم درباره ابلیس (به‌عنوان فردی ممتاز در میان شیاطین جن)، جنیان شرور و

یکی از مهم‌ترین مسائل الهیات که متفکران ادیان مختلف به آن پرداخته‌اند، مسئله شر است. مسئله شر معمولاً در بحث خداشناسی و صفات خدا مطرح می‌شود. یکی از موضوعات حوزه مسئله شر، شیطان است که متون مقدس ادیان ابراهیمی به آن پرداخته‌اند. در متون مقدس اسلام، مسیحیت و یهودیت، یعنی قرآن و عهدین، موضوع شیطان جایگاه خاصی دارد. در قرآن کریم واژه شیطان ۷۰ مرتبه تکرار شده است؛ ۶۴ مورد آن به صورت مفرد و معرفه و ۶ مرتبه به صورت مفرد و نکره آمده است. همچنین ۱۸ بار به صورت جمع ذکر شده است. واژه «satan» ۱۹ مرتبه در عهد قدیم و ۳۵ مرتبه در عهد جدید به کار رفته است.

تکرار زیاد واژه «شیطان» در قرآن و عهدین نشان از اهمیت آن دارد. لذا بررسی ابعاد مختلف مربوط به آن ضروری است. یکی از مهم‌ترین ابعاد این موضوع، نقش شیطان در جهان هستی است. نقش (role) در فرهنگ‌های لغت با عبارات مختلفی تعریف شده است. فرهنگ لانگمن آن را عبارت از رفتارهایی می‌داند که مستلزم یک فعالیت یا موقعیت است (لانگمن ادونسد دیکشنری، ۲۰۰۳، ذیل واژه «role»). فرهنگ معین، نقش را به‌عنوان مسئولیتی که هنریشه یا بازیگر در صحنه نمایش به عهده دارد، تعریف می‌کند (معین، ۱۳۸۰، ذیل واژه نقش). در اصطلاح جامعه‌شناسی، نقش مرتبط با اعمالی است که هر فرد متناسب با پایگاه‌هایی که در جامعه دارد، انجام می‌دهد. از نظر والتر کورتو نقش معرف رفتاری است که هر کس با توجه به مقام و پایگاه اجتماعی فرد حق دارد از او انتظار داشته باشد (توسلی، ۱۳۸۶، ص ۳۰۲).

با بررسی پژوهش‌هایی که درباره شیطان انجام شده، روشن می‌شود که تاکنون درباره نقش شیطان در قرآن، عهد قدیم و عهد جدید پژوهشی انجام نشده و این نشان‌دهنده نوآوری این مقاله است. لذا هدف این مقاله بررسی نقش شیطان در قرآن کریم و عهدین و پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. قرآن کریم نقش شیطان در جهان را چگونه معرفی می‌کند؟
۲. عهدین (عهد قدیم و عهد جدید) نقش شیطان در جهان را چگونه معرفی می‌کنند؟
۳. تفاوت‌ها و شباهت‌های دیدگاه قرآن و عهدین درباره نقش شیطان چیست و چگونه تبیین می‌شوند؟

انسان‌های شرور استفاده شده است (مصباح، ۱۳۸۸، ص ۲۹۷).

واژه شیطان در قرآن کریم به سه صورت به کار رفته است: الف) به صورت مفرد و نکره: در این صورت، منظور، شیطان نامعین است که می‌تواند هر فردی از شیاطین انس و جن را دربرگیرد؛ مانند آیه «وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ» (زخرف: ۳۶)؛ و هر کس از یاد [خدای] رحمان دل بگرداند، بر او شیطانی می‌گماریم تا برای وی دمسازی باشد. در این استعمال، شیطان اسم علم نیست، بلکه وصف است. ب) به صورت مفرد و معرفه: در این صورت معمولاً به معنای خاص یعنی ابلیس استفاده می‌شود. مثل آیه «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ» (اعراف: ۲۷)؛ ای فرزندان آدم، زنهار تا شیطان شما را به فتنه نیندازد؛ چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند. شیطان در برخی موارد نیز به معنای عام استعمال شده است، مانند: «الشَّيْطَانُ يُعَذِّبُكُمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ» (بقره: ۲۶۸)؛ شیطان شما را از تهیدستی بیم می‌دهد و شما را به زشتی وامی‌دارد. ج) به صورت جمع: که دلالت بر این مطلب دارد که شیطان مصادیق مختلفی دارد. همچنین برخی آیات به این نکته صراحت دارند؛ مانند «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ» (انعام: ۱۱۲)؛ و بدین‌گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطان‌های انس و جن برگماشتیم. نقش‌های شیطان براساس آیات قرآن کریم عبارتند از:

۱-۱. دشمن انسان

در آیات متعددی از قرآن کریم به دشمنی شیطان با انسان اشاره شده است. این دشمنی از ابتدای خلقت آدم تاکنون ادامه دارد. وی خود را از انسان برتر می‌دانست و از سجده بر او امتناع ورزید. آن‌گاه از درگاه الهی رانده شد و سوگند یاد کرد که همه انسان‌ها جز بندگان مخلص خداوند را گمراه کند (ص: ۷۵-۸۳). قرآن کریم از همگان دعوت می‌کند تا تنها خدا را بندگی کرده و از گام‌های شیطان پیروی نکنند (بقره: ۱۶۸)، و از پرستش وی اجتناب کنند (یس: ۶۰)؛ زیرا او جز به گمراهی دعوت نمی‌کند. خداوند با یادآوری دشمنی شیطان با انسان، از او می‌خواهد تا او نیز شیطان را دشمن خود بداند و می‌فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (فاطر: ۶)؛ قطعاً شیطان دشمن شماست پس شما نیز او را دشمن خود بگیرید و تنها حزبش را دعوت می‌کند تا از اصحاب آتش باشند.

شیطان در نقش دشمنی با انسان، فعالیت‌های زیر را انجام می‌دهد: - **وسوسه کردن:** وسوسه، اندیشه زشت و ناروایی را گویند که اصل آن از وسواس است و عبارت است از صدای روشن و آهنگ خفی و آرام (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۸۶۹). قرآن کریم وسوسه را ویژه اجنه نمی‌داند و به گروه‌هایی از انسان‌ها نیز نسبت داده است (ناس: ۶). اولین افرادی که توسط شیطان وسوسه شدند، آدم و همسرش حوا بودند. او آنها را با وعده جاودانگی و حکومت فریب داد (طه: ۱۲۰). قرآن کریم با یادآوری این نافرمانی، در آیات متعددی دشمنی شیطان نسبت به انسان را متذکر می‌شود و می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِمَّنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ» (اعراف: ۲۷)؛ ای فرزندان آدم، زنهار تا شیطان شما را به فتنه نیندازد، چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند، و لباسشان را از ایشان برکند، تا عورت‌هایشان را بر آنان نمایان کند. در حقیقت، او و قبیلش، شما را از آنجا که آنها را نمی‌بینید، می‌بینند. از وسوسه شیطان گاهی با عنوان «همزات الشیطان» یاد شده است (مؤمنون: ۹۷). او انسان را به آرزوهای باطل سرگرم می‌کند و با وعده‌های دروغین فریب می‌دهد (نساء: ۱۲۰)، تا به این وسیله او را از صراط مستقیم منحرف کند. شیطان به دوستان خود وحی می‌فرستد تا با مؤمنان مجادله کنند (انعام: ۱۲۱). سپس به هیچ‌یک از وعده‌های خود عمل نکرده و همراه پیروانش در آتش افکنده می‌شود (ابراهیم: ۲۲). او جز گمراهی انسان هدف دیگری ندارد (ص: ۸۲) و اگر بر او مسلط شود، ذکر و یاد خدا را از دل‌های آنان بیرون می‌کند (مجادله: ۱۹). البته قرآن کریم وسوسه‌های شیطانی را ضعیف شمرده است (نساء: ۷۶) و از انسان می‌خواهد تا در مواجهه با شیطان به خدا پناه برد (مؤمنون: ۹۷).

- **زیفت دادن:** یکی از مصادیق دشمنی شیطان با انسان زینت دادن اعمال و افکار باطل در نظر اوست. انسان‌ها فطرتاً به دنبال زیبایی‌ها و کمالات هستند، اما شیطان با زینت دادن باطل، آن را زیبا جلوه می‌دهد. قرآن کریم با یادآوری این ابزار شیطانی، یکی از علل گمراهی امت‌های قبل را زینت یافتن اعمال باطل در دیدگانشان بیان می‌کند (نحل: ۶۳). خداوند همین عامل را سبب شکست مسلمانان در جنگ احزاب معرفی می‌کند و می‌فرماید: «وَ إِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَ قَالَ لَا غَالِبَ لَكُمُ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَ إِنِّي جَارٌ

هرچند شیطان نسبت به وحدانیت خدای تعالی مؤمن و معتقد بود (حجر: ۳۹)، اما از فرمان الهی مبنی بر سجده بر آدم سرپیچی و امتناع ورزید، همان گونه که قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا» (مریم: ۴۴). بنابراین خداوند هر فعل مذموم و ناپسندی را کفر نامید، چنان که سحر را یکی از مصادیق کفر شیاطین به‌شمار آورده و آنها را به علت آموزش سحر و جادو مذمت کرده و کافر نامید (بقره: ۱۰۲).

۱-۳. ولی

یکی دیگر از نقش‌های شیطان در قرآن کریم، ولی و ولایت داشتن است. ولی در لغت به معنای سرپرست به کار رفته است و هرگاه کسی بر دیگران قدرت و سلطنت داشته باشد، از آن با عنوان ولایت یاد می‌شود. قرآن کریم سلطنت و قدرت شیاطین را مخصوص کسانی می‌داند که او را ولی خود قرار داده‌اند (نمل: ۱۰۰) و او بر بندگان مخلص خداوند سلطه و قدرتی ندارد (حجر: ۴۰). گمراهان، شیطان را به‌جای خدا ولی خود قرار دادند و ضلالت را برگزیدند (اعراف: ۳۰). آنها به دوستان خود وحی می‌فرستند تا با مؤمنان به مجادله بپردازند (انعام: ۱۲۱). خداوند ولایت شیطان را عقابی برای کافران و مشرکانی قرار داد که بندگی و اطاعت او را جایگزین بندگی خداوند کرده‌اند (مؤمنون: ۲۷).

۱-۴. آزمایش‌کننده

شیطان در آیات قرآن کریم در نقش آزمایش‌کننده نیز معرفی می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «لِيَجْزَلَ مَا يَلْقَى الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ وَ لِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (حج: ۵۳ و ۵۴). تا آنچه را که شیطان القا می‌کند، برای کسانی که در دل‌هایشان بیماری است و [نیز] برای سنگدلان آزمایشی گرداند، و ستمگران در ستیزه‌ای بس دور و درازند و تا آنان که دانش یافته‌اند بدانند که این [قرآن] حق است [و] از جانب پروردگار توست. و بدان ایمان آورند و دل‌هایشان برای او خاضع گردد، و به راستی خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند، به سوی راهی راست راهبر است.

گرچه داستان بیماری ایوب علیه السلام و از دست دادن تمامی اموال و دارایی‌هایش، به شیطان نسبت داده شده است (ص: ۴۱)، یکی از آزمایش‌های الهی نیز به‌شمار می‌رود؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید:

لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِئْتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقْبَيْهِ وَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَ اللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال: ۴۸)؛ و [یاد کن] هنگامی را که شیطان اعمال آنان را برایشان بیاراست و گفت: امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نخواهد شد، و من پناه شما هستم. پس هنگامی که دو گروه، یکدیگر را دیدند [شیطان] به عقب برگشت و گفت: من از شما بیزارم، من چیزی را می‌بینم که شما نمی‌بینید، من از خدا بیمناکم و خدا سخت‌کیفر است.

- ایجاد اختلاف و دشمنی: خداوند از همه انسان‌ها می‌خواهد تا تسلیم او شوند (بقره: ۲۰۸) و از تفرقه بپرهیزند (آل عمران: ۱۰۳)؛ اما شیطان خواستار تفرقه و ایجاد دشمنی میان مؤمنان است و در این راه از ابزارهایی چون شراب و قمار استفاده می‌کند (مائده: ۹۱). او کسی بود که میان یوسف (و برادرانش) جدایی افکند (یوسف: ۱۰۰). تمامی اختلافات در میان امت اسلام نیز منشأ شیطانی دارد؛ چنان که از دیدگاه قرآن کریم همه آن اختلافات به منافقانی بازمی‌گردد که کوبنده‌ترین آیات در وصف آنان نازل شده است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۷۴). آنها همان کسانی هستند که به شیاطین منسوب شده‌اند (بقره: ۱۴). بنابراین اختلافاتی که در تقابل با حق شکل می‌گیرد، اختلافات نفسانی و شیطانی نامیده می‌شود (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۳۸)؛ زیرا اهل حق و ملازمان سبیل حق خارج از اهل تفرقه و اختلاف هستند (همان، ج ۱۱، ص ۶۲). از آنجا که حقایق عالم همه با هم متحدند، هیچ حقی نیست که حقی دیگر را باطل کند (همان، ج ۱، ص ۷۲)؛ همان‌طور که خداوند می‌فرماید: «فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ» (یونس: ۳۲).

۱-۲. کافر

یکی دیگر از نقش‌های شیطان نقش کافر است. خداوند به شیطان نسبت کفر می‌دهد و می‌فرماید: «كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا» (اسراء: ۲۷). این واژه در لغت به معنای پوشاندن چیزی است، از این‌رو به کشاورز کافر نیز گفته می‌شود؛ زیرا او بذر و دانه را در زمین پنهان می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۷۱۴). خداوند کفر را در مقابل شکر قرار داده است: «مَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ» (نمل: ۴۰)؛ هر کس شکر کند، سپاسگزاری او به سود خودش است و هر کس کفر ورزد بی‌گمان پروردگارش بی‌نیاز و کریم است. بنابراین کفر به معنای عصیان و امتناع است و کفر نعمت نقیض شکر محسوب می‌شود (ابن منظور، ۱۹۸۸، ج ۵، ص ۱۴۴).

عمومی و جاری و نافذ است و همان طور که هیچ یک از آیات الهی بدون مشیت و خواست خدا کمترین اثری در ایمان مردم ندارد، دشمنی شیاطین با انبیاء و سخنان فریبنده‌ای که به یکدیگر وحی می‌کنند به اذن الهی است و اگر خدا می‌خواست با انبیاء دشمنی نمی‌کردند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۳۲۱).

۲. نقش شیطان در عهد قدیم

در عهد قدیم فقط چهار متن از شیطان سخن می‌گویند (اعداد، ۲۲: ۲۲ و ۳۲؛ ایوب، ۲-۱؛ زکریا، ۳: ۳-۱؛ اول تواریخ، ۲۱: ۱). عهد قدیم تحت عنوان «شاطان» (שָׁטָן) از شیطان می‌گوید (سیداروس یسوعی، ۱۹۸۶، ص ۵۰۳). شاطان در زبان عبری به معنای مخالفت کردن و نقشه کشیدن علیه کسی است. به‌طور کلی این واژه به معنای رقیب است (شارما، ۲۰۰۵، ج ۱۲، ص ۸۱۳۳). واژه انگلیسی «satan» ۱۹ مرتبه در عهد قدیم به کار رفته است. در این متن مقدس، شیطان شخصیتی واحد و یکپارچه ندارد. شیطان گاهی از فرشتگان و از کارگزاران الهی است که وظیفه مخالفت دارد (اعداد، ۲۲: ۲۲). گاهی در نقش تهمت زننده و یک مخالف خاص ظاهر می‌شود (زکریا، ۳: ۱) و گاهی عنوان یک انسان مخالف است (دوم سموئیل، ۱۹: ۲۲). اما هیچ دلیلی بر آنکه این مقام یک فرشته خاص بوده باشد، وجود ندارد؛ بلکه شیطان در عهد قدیم یک عنوان عام است نه یک اسم خاص (رایینسوویتز، ۲۰۰۷، ج ۱۸، ص ۷۲؛ شارما، ۲۰۰۵، ج ۱۲، ص ۸۱۳۳). شیطان در عهد قدیم یک فرستاده باهوش است که قدرت زیادی دارد ولی موجودی شر نیست (نویگیتر، ۲۰۱۵، ص ۵۱). در ادامه به بیان نقش‌های شیطان در عهد قدیم می‌پردازیم:

۲-۱. کارگزار خداوند

در کتاب اعداد داستانی نقل می‌شود که در آن شیطان، دشمن انسان یا یک موجود شرور نیست؛ بلکه یکی از کارگزاران الهی است. براساس این داستان آن گاه که بنی اسرائیل به سرزمین عربات وارد شدند، حاکم آن منطقه فردی به نام بالاق بن صفور بود. وی از حضور اسرائیلیان در این ناحیه سخت بیمناک شد و از بلعام خواست تا آنها را لعنت کند؛ زیرا اگر وی کسی را دعا می‌کرد، مبارک می‌شد و هر که را لعنت می‌کرد، در گروه ملعونین قرار می‌گرفت. بلعام در ابتدا به آنها پاسخ داد: خدا فرموده است بنی اسرائیل را لعنت نکن؛

«إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا» (ص: ۴۴)؛ ما او را [در مقابل این بلا] شکیبا یافتیم. بنا بر جهان بینی توحیدی، هیچ مؤثری اثرگذار نخواهد بود، جز آنکه به همان میزان مستند به اذن الهی و دارای مصلحت و هدف شایسته باشد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۲۹۲). بنابراین هدف از اذن الهی به شیطان، آزمایش انسان‌هایی است که قلب‌های آنان دچار کوردلی و بیماری شده است. همچنین انسان‌های عالم در پی نابودی القائات شیطانی به الهی بودن قرآن ایمان می‌آورند و به راه مستقیم هدایت می‌شوند.

۱-۵. خدمتکار حضرت سلیمان

شیاطین شامل گروه‌هایی از جن و انس می‌شوند (انعام: ۱۱۲). شیاطین جنی اگرچه از جنس آتش بوده و در اکثر موارد قابل مشاهده نیستند (اعراف: ۱۲)؛ اما گاهی امکان تجسم آنها فراهم می‌شود. آنها سحر و جادو را در میان یهودیان رواج دادند (بقره: ۱۰۲). خداوند آنها را تسلیم سلیمان ﷺ کرد. از آن پس برای او غواصی (انبیاء: ۸۲) و بنایی (ص: ۳۷) می‌کردند. همچنین ساخت محراب‌ها و عبادتگاه‌ها، مجسمه‌ها و حوض‌های بزرگ را برعهده داشتند (سبأ: ۱۳).

۱-۶. دشمن پیامبران

شیطان پس از آنکه از درگاه الهی رانده شد، سوگند یاد کرد که در مسیر صراط مستقیم بنشیند و از همه ابزارها و امکانات خود جهت ممانعت از راه بندگی خدا استفاده کند (اعراف: ۱۵). در مقابل این کارشکنی‌ها، خداوند همه انبیاء و رسولان خود را برای هدایت و دعوت مردم به صراط مستقیم فرستاد؛ قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (مؤمنون: ۷۳)؛ و در حقیقت، این تویی که جداً آنها را به راه راست می‌خوانی.

بنابراین هدف انبیاء در تقابل با هدف شیاطین است. چنان که قرآن کریم فرمود: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَأَلُو شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ قَدْ رَهْمُوا مَا يَفْتَرُونَ» (انعام: ۱۱۲)؛ و اینچنین ما برای هر نبی دشمنانی از شیاطین جنی و انسی قرار دادیم، بعضی از آنها به بعضی، برای فریب [یکدیگر]، سخنان آراسته القا می‌کنند و اگر پروردگار تو می‌خواست چنین نمی‌کردند. پس آنان را با آنچه به دروغ می‌سازند واکذار. این آیه بر این موضوع دلالت دارد که حکم و مشیت الهی

دست دادن اموال و حتی سلامتی خود، حاضر به ترک عبودیت نمی‌شود (ایوب، ۲: ۱۰-۷).

در این داستان، شیطان یکی از فرشته‌های الهی (ایوب، ۱: ۶) و یکی از ملازمان درگاه او است (رابینوویتز، ۲۰۰۷، ج ۱۸، ص ۷۲) که هرگز بدون اجازه‌ی وی کاری نمی‌کند. به‌گونه‌ای از او سخن گفته شده است که تعالی خداوند حفظ شود. گویا شیطان از ملائکه‌ی آسمانی است که در عرش الهی وظیفه‌ی دادستانی و بر روی زمین اقامه‌ی عدالت و حقوق الهی را بر عهده دارد (سیداروس یسوعی، ۱۹۸۶، ص ۵۰۳).

۲-۳. تهمت‌زننده

براساس کتاب زکریا، شیطان دشمن خداوند نیست و تنها در مقام تهمت‌زننده به یهوشع قرار دارد. گزارش عهد قدیم به این صورت است که زکریا در رؤیا، کاهن اعظم یهوشع را می‌بیند. همچنین مشاهده می‌کند که شیطان در کنار فرشته‌ی خداوند ایستاده است و تهمت‌های زیادی به یهوشع می‌زند (زکریا، ۳: ۱ و ۲). از جمله تهمت‌هایی که به او می‌زند، تهمت ناپاکی است؛ زیرا او مدت زیادی در میان مردمان بت‌پرست بابل بوده و دیگر شایسته‌ی ورود به محضر خداوند نیست. البته او تبرئه می‌شود (فلمینگ، ۲۰۰۵، ص ۴۰۰؛ هنری، بی تا، ص ۸۶۸). این بخش کتاب زکریا، اشاره به شورای آسمانی دارد که شامل خداوند، فرزندان خدا (فرشتگان) و شیطان می‌شود. البته در این صحنه، فردی انسانی به نام یهوشع نیز حضور دارد. یهوشع، کاهنی است که زکریا امیدوار است او را در انجام فعالیتش یاری کند (وری، ۲۰۰۵، ص ۶۵).

در این داستان برای اولین بار از شیطان تصویری منفی ارائه شده و این سرآغازی است که شیطان در نقش منفی و شر معرفی می‌شود.

۲-۴. دشمن و مخالف اغواگر

شیطان در کتاب تواریخ با نقشی متفاوت ظاهر می‌شود. وی به ضدیت با اسرائیل برخاسته، داوود را اغوا می‌کند تا آنها را سرشماری کنند (اول تواریخ، ۲۱: ۱). سرشماری انسان‌ها نه تنها بد نیست، بلکه بسیار مفید است؛ اما سرشماری اسرائیل گناه است؛ زیرا خداوند وعده داده بود اسرائیل مانند ستارگان آسمان زیاد شوند و سرشماری آنها نشانگر بی‌اعتمادی به خداست (جمیسن، ۱۹۶۱، ص ۶۶۵). علاوه بر این، بنابر کتاب مقدس هر فرد در هنگام سرشماری باید مبلغی را

زیرا آنها قومی مبارک هستند. اما عاقبت به دنبال فرستادگان حاکم به راه افتاد و غضب خدا به سبب رفتن او افروخته شد. شیطان در این گزارش، فرشته‌ی الهی معرفی می‌شود که به مقاومت در برابر بلعام و الاغ وی می‌ایستد. به نظر می‌رسد از این جهت شیطان نامیده می‌شود که به مقابله و مخالفت بلعام می‌پردازد. الاغ، فرشته‌ی خداوند را با شمشیر برهنه به دستش، درحالی که بر سر راه آنان ایستاده، دید. پس الاغ به مزرعه‌ای که در آن نزدیکی بود تغییر جهت داد. بلعام الاغ را زد تا او را به راه برگرداند. این حادثه چند مرتبه تکرار شد، آن‌گاه خداوند زبان الاغ را گشود، پس او به بلعام گفت: به تو چه کرده‌ام که مرا زدی؟ وی پاسخ داد: از این جهت که تو مرا استهزا کردی. در این هنگام خداوند چشمان بلعام را گشود و فرشته‌ی خداوند را دید که با شمشیر برهنه بر سر راه او ایستاده است (اعداد، ۲۲: ۱-۲۲). در این روایت خداوند به وسیله‌ی شیطان که یکی از فرشتگان الهی است از قوم خود محافظت کرد. براین اساس، شیطان تحت کنترل خداست و خداوند به واسطه‌ی او اهداف خود را عملی می‌کند. به عبارت دیگر، شیطان بنده‌ی خداست.

۲-۲. آزمایش‌کننده

در داستان ایوب، شیطان به‌عنوان یکی از فرزندان خدا معرفی می‌شود (ایوب، ۱: ۶). در عهد قدیم عبارت «فرزندان خدا» (the sons of God) گاهی برای اشاره به بنی اسرائیل به‌عنوان قوم برگزیده استفاده می‌شود (خروج، ۴: ۲۲؛ ارمیا، ۳۱: ۹) که نشان از جایگاه آنان نزد خداوند است. گاهی نیز به موجودات آسمانی اطلاق می‌شود (ایوب، ۱: ۶؛ ایوب، ۲: ۱؛ دانیال، ۳: ۲۵؛ سیداروس یسوعی، ۱۹۸۶، ص ۵۰۳). شیطان تقاضای آزمایش ایوب را دارد؛ زیرا معتقد است بندگی وی به دلیل نعمت‌های فراوانی است که خداوند به او عطا کرده است (ایوب، ۱: ۱۰). در حقیقت، شیطان به دوستی و محبتی که عاری از مصالح شخصی باشد، اعتقادی ندارد: «شیطان گفت اگر خداترسی برای او سودی نداشت این کار را نمی‌کرد» (ایوب، ۱: ۹).

شیطان از خدا می‌خواهد تا تمامی اموال ایوب^{۱۰} را از او بگیرد و اطمینان دارد که پس از این آزمایش ایوب^{۱۱} اطاعت و بندگی خداوند را ترک خواهد کرد (ایوب، ۱: ۱۱). خداوند به شیطان می‌فرماید «اینک همه‌ی اموالش در دست تو است» (Behold, all that he hath [is] in thy power) (ایوب، ۱: ۱۲). اما ایوب^{۱۲} پس از از

باغ عدن اخراج شدند (پیدایش، ۳: ۲۳). شیطان عامل رنج و سختی آدمیان نیز شد (پیدایش، ۳: ۱۹). بنابراین، تضاد و دشمنی میان انسان و شیطان به اولین روزهای خلقت بشر مربوط می‌شود و تا قیامت و ظهور ملکوت خداوند ادامه می‌یابد (مکاشفه، ۲۰: ۱۴).

در سراسر عهد جدید دشمنی‌های بسیاری از شیطان به انسان می‌رسد و چنین به نظر می‌رسد که برخی بیماری‌ها نشانه‌ای از قدرت وی بر انسان است (لوقا، ۱۳: ۱۱). هرگاه عیسی علیه السلام با بیماری مواجه می‌گردید گویا با ارواح شیطانی ملاقات می‌کرد (مرقس، ۱: ۲۴). او بیماری زنی را به شیطان نسبت می‌دهد و می‌گوید شیطان به مدت ۱۸ سال وی را بسته بود (لوقا، ۱۳: ۱۶).

او عامل خاری بود که در جسم پولس به وجود آمده بود (دوم قرتیان، ۱۲: ۷). پس فریسیان که شاهد شفا دادن بیماران به وسیله عیسی علیه السلام بودند، گفتند: این شخص دیوها را بیرون نمی‌کند، مگر به یاری بل زبول (رئیس دیوها). عیسی علیه السلام در پاسخ آنها فرمود: «اگر شیطان، شیطان را بیرون کند، هر آینه به خلاف خود منقسم گردد؛ پس چگونه سلطنتش پایدار ماند» (متی، ۱۲: ۲۴-۲۶؛ مرقس، ۳: ۲۳). بنابراین عهد جدید شیطان را خالق همه شرور می‌داند (لوقا، ۱۰: ۱۹).

مسیحیان، به وسیله ایمان به مسیح علیه السلام با حیل‌های شیطان و یارانش مبارزه می‌کنند. کتاب مقدس در این باره می‌گوید: «سلحه تمام خدا را بیوشید تا بتوانید با مکرهای ابلیس مقاومت کنید؛ زیرا که ما را کشتی گرفتن با خون و جسم نیست، بلکه با ریاست‌ها و جهان‌داران این ظلمت و با فوج‌های روحانی شرارت در جایگاه‌های آسمانی است؛ پس اسلحه تام خدا را بردارید تا بتوانید در روز شریب مقاومت کنید و همه کار را به جا آورده، بایستید. پس کمر خود را بسته و جوشن عدالت را دربر کرده بایستید... و با این همه سپر ایمان را بکشید که به آن بتوانید تمامی تیرهای آتشین شریب را خاموش کنید و خود نجات و شمشیر روح را که کلام خداست بردارید و با دعا و التماس تمام در هر وقت در روح دعا کنید...» (افسیسیان، ۶: ۱۱ تا ۱۸).

۳-۲. دشمن عیسی مسیح

شیطان دشمن عیسی مسیح نیز هست. همه دشمنان حضرت مسیح علیه السلام به شیطان نسبت داده شده‌اند. عیسی علیه السلام یهودیانی را که از ایمان آوردن امتناع می‌ورزیدند چنین مورد نکوهش قرار داد: «شما فرزندان پدر واقعی‌تان شیطان می‌باشید و دوست دارید اعمال بد او را

به‌عنوان فدیة خود بپردازد تا از بلایایی چون وبا در امان باشد (خروج، ۳۰: ۱۲ و ۱۳)؛ اما داوود چنین نکرد، پس خداوند بنی‌اسرائیل را به بیماری وبا مبتلا کرد و ۷۰۰۰ نفر به سبب وبا و این نافرمانی جان خود را از دست دادند (اول تواریخ، ۲۱: ۱۴). این روایت در بخش‌های دیگری از کتاب مقدس به‌گونه‌ای متفاوت شرح داده می‌شود و داوود به فرمان خدا به سرشماری بنی‌اسرائیل اقدام می‌کند (دوم سموئیل، ۲۴: ۱). بنابراین شیطان در کتاب تواریخ به‌عنوان موجودی اغواگر و دشمن بنی‌اسرائیل نقشی را ایفا می‌کند که کتاب سموئیل آن را به خداوند نسبت می‌دهد.

۳. نقش شیطان در عهد جدید

عهد جدید در مقایسه با عهد قدیم بسیار گسترده‌تر و با وضوح بیش‌تری درباره شیطان سخن می‌گوید. شیطان در عهد جدید، به‌ویژه در اناجیل، نقش برجسته‌ای دارد. لفظ انگلیسی «satan» ۳۵ مرتبه در عهد جدید تکرار شده است: ۱۴ مرتبه در اناجیل همونا، یک مرتبه در انجیل یوحنا، ۲ مرتبه در اعمال رسولان و ۱۰ مرتبه در رسالات و ۸ مرتبه در مکاشفه (همیلتن، ۱۹۹۲، ج ۵، ص ۹۸۸). علاوه بر این، موجود شر در عهد جدید با الفاظ دیگری همچون «بعل زبول» (Beelzebub) (مرقس، ۳: ۲۲) و دروغگو (دوم قرتیان، ۶: ۱۵) نیز یاد شده است. اوصاف دیگر او عبارتند از تهمت‌زننده (مکاشفه، ۱۲: ۱۰)، رقیب (اول پطرس، ۵: ۸)، دشمن (متی، ۱۳: ۳۹)، مار قدیمی (مکاشفه، ۱۲: ۹ و ۲: ۲۰)، پادشاه این جهان (یوحنا، ۱۲: ۳۱ و ۱۴: ۳۰) و خدای این جهان (دوم قرتیان، ۴: ۴) (برنت، ۲۰۰۳، ص ۶۹۹). در عهد جدید شخصیت متمایز شیطان و فعالیت او در میان انسان‌ها به روشنی مشخص می‌شود (ایستن، ۱۸۹۷، ص ۶۴۳). عهد جدید شیطان را در نقش‌های زیر معرفی می‌کند:

۳-۱. دشمن انسان‌ها و مسیحیان

شیطان دشمن انسان‌هاست. عهد جدید شیطان را همان ماری معرفی می‌کند که آدم و حوا را فریب داد تا از میوه درختی که از آن نهی شده بودند، بخورند (مکاشفه، ۱۲: ۹). این در حالی است که در سراسر عهد قدیم، کوچک‌ترین اشاره‌ای به این موضوع نشده است. براساس آیات عهد جدید، شیطان همان ماری است که عامل اولین گناه انسان در برابر خداوند بود. پس از آن به فرمان الهی آدم و حوا از

۴. مقایسه نقش شیطان در قرآن و عهدین

از راه‌های شناخت بهتر یک مسئله، پاسخ‌ها و دیدگاه‌های مربوط به آن، مطالعه مقایسه‌ای است. در مقایسه، علاوه بر بیان شباهت‌ها و تفاوت‌ها، ریشه‌ها و علل آنها نیز تبیین می‌شود.

قرآن کریم، عهد قدیم و عهد جدید در پاسخ به مسئله نقش شیطان اشتراکاتی دارند. هر سه متن مقدس، شیطان را دشمن انسان می‌دانند. قرآن کریم یکی از نقش‌های او را دشمنی با انسان و دشمنی با پیامبران معرفی می‌کند. شیطان در سراسر قرآن کریم دشمن انسان و همه پیامبران معرفی می‌شود. او سوگند یاد کرد که جز عده‌ای از بندگان خالص خداوند، همه را فریب دهد و از صراط مستقیم منحرف گرداند. او از ابزارهایی چون وسوسه و اغوا برای این هدف بهره می‌گیرد. همچنین تلاش می‌کند تا در میان انسان‌ها اختلاف و تفرقه ایجاد کند و با زینت دادن باطل در دیدگانشان آنها را به ضلالت و گمراهی سوق دهد.

عهد قدیم او را در نقش دشمن بنی‌اسرائیل معرفی می‌کند. شیطان در داستان داوود نقش اغواگری دارد و باعث مرگ هفتاد هزار نفر از بنی‌اسرائیل می‌شود. عهد جدید نیز بر دشمنی شیطان با انسان‌ها، مسیحیان و عیسی مسیح تأکید می‌کند. در عهد جدید شیطان قاتل و پدر همه قاتلان و دروغگویان است. وی عامل به تصلیب کشیدن مسیح^۳ است و همواره با عیسی^۴ و مسیحیان به دشمنی می‌پردازد.

شباهت دیگر اینکه یکی از نقش‌های شیطان در هر سه متن مقدس، آزمایشگر و امتحان‌کننده انسان است.

البته تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. در عهد قدیم دو نقش دیگر برای شیطان بیان می‌شود که در متون دیگر نیست: تهمت زنده و کارگزار خداوند بودن. برخلاف دیدگاه قرآن کریم، شیطان در عهد قدیم در اغلب موارد، شخصیتی شرورانه ندارد. او کارگزار خداست؛ کسی که با ممانعت از رفتن بلعام، از بنی‌اسرائیل محافظت کرد. او همچنین آزمایش‌کننده ایوب^۵ است و هرچند به یهوشع تهمت می‌زند، اما دشمن خدا نیست.

قرآن کریم نیز نقش‌های کافر، ولی و خدمتکاری را برای شیطان بیان می‌کند که در عهدین دیده نمی‌شود. شیطان با سجده نکردن بر آدم در مقابل فرمان الهی عصیان و سرکشی کرد و نسبت به نعمت‌های

انجام دهید. شیطان از همان اول قاتل بود و از حقیقت نفرت داشت. چون دروغگو و پدر تمام دروغگوهاست» (یوحنا، ۸: ۴۴).

سراسر زندگی عیسی^۶ مبارزه با شیطان بود؛ زیرا هدف شیطان گمراهی همه اهل زمین است (مکاشفه، ۱۲: ۹)؛ درحالی‌که هدف از ظهور عیسی^۷ نجات انسان‌ها بود. شیطان، قاتل و پدر همه قاتلان و دروغگویان است. وی همان کسی است که یهودای اسخریوطی را فریب داد تا عیسی^۸ را به دشمنانش بسپارد (یوحنا، ۱۳: ۲۷). در عهد جدید شیطان اگر چه در اکثر موارد به‌عنوان موجودی تشخیص یافته ظاهر می‌شود؛ اما گاهی نیز همه کسانی را شامل می‌شود که با مشیت الهی مقابله می‌کنند. از این رو عیسی^۹ پطرس را که خواستار جلوگیری از تصلیب بود شیطان نامید (متی، ۱۶: ۲۳).

۳-۳. آزمایش‌کننده

یکی از نقش‌هایی که شیطان در عهد جدید ایفا می‌کند، آزمایش و تجربه کردن انسان‌هاست. کتاب مقدس یکی از علل آن را ناپرهیزی و ترک وظایف بندگان می‌داند (اول قرنیتان، ۷: ۵). اما آزمایش شدن توسط شیطان مخصوص گناهکاران نیست؛ بلکه او، عیسی^{۱۰} را نیز در معرض آزمایش و تجربه قرار داد. شیطان عیسی^{۱۱} را با «خواهش جسم» (متی، ۴: ۲-۳)، «خواهش چشم» (متی، ۴: ۸-۹) و «غرور زندگانی» (متی، ۴: ۵-۶) وسوسه و آزمایش کرد (مک آرتور، ۲۰۰۷، ص ۷۸). کتاب مقدس در این باره می‌گوید: «و مدت چهل روز در صحرا بود و شیطان او را تجربه می‌کرد و با وحوش به سر می‌برد و فرشتگان او را پرستاری می‌کردند» (مرقس، ۱: ۱۳). شیطان به عیسی^{۱۲} وعده می‌دهد که اگر در مقابلش سجده کند تمامی ممالک عالم و قدرت‌های این جهان را که به او سپرده شده است، به مسیح^{۱۳} خواهد بخشید. عیسی^{۱۴} در جواب گفت: «ای شیطان، مکتوب است خداوند، خدای خود را پرستش کن و غیر او را عبادت نکن». شیطان از او می‌خواهد که اگر پسر خداست خود را به زیر اندازد؛ زیرا فرشتگان از او مراقبت خواهند کرد. عیسی^{۱۵} در پاسخ او گفت: «گفته شده است خداوند، خدای خود را تجربه مکن و چون ابلیس جمیع تجربه را به انجام رسانید تا مدتی از او جدا شد» (لوقا، ۴: ۱۳). بنابراین شیطان در عهد جدید مظهر شرارت و بدی است؛ اما اعمال او هرگز از محدوده قدرت الهی فراتر نیست و بدون اذن او کاری انجام نمی‌دهد.

با عناوین شرورانه چون تهمت زننده و اغواگر معرفی می‌شود. شیطان در عهد جدید دشمن دیرینه انسان‌هاست. او عامل رنج‌ها و مشقت‌های انسانی است. وی دشمن مسیح^ع و مقاصد الهی وی است. همچنین او نقش آزمایش‌کننده ایمان بندگان را برعهده دارد. شیطان در عهد جدید عامل گناه آدم^ع و حوا و هبوط آنها بر زمین معرفی می‌شود، و همان مار قدیمی است که آنها را فریب داد. این درحالی است که عهد قدیم هیچ اشاره‌ای به این موضوع نکرده است. شیطان دشمن مسیح^ع، مسیحیان و همه انسان‌هاست و گاهی به آزمایش آدمیان می‌پردازد.

قرآن کریم شیطان را دشمن انسان، وسوسه‌گر، زینت‌دهنده باطل و عامل اختلافات و دشمنی‌ها معرفی کرده است. او در برابر خداوند عصیان و سرکشی کرد و خدا او را ولی و سرپرست کسانی قرار داد که از او تبعیت می‌کنند. اعمال شیطان اگرچه در مرحله اول به خود او بازمی‌گردد؛ اما در جهان‌بینی توحیدی، وجود او خالی از مصالح نیست و او وسیله‌ای برای آزمایش بندگان است که تنها در محدوده اذن و قدرت الهی قادر به انجام اعمال خویش است.

نقش شیطان در عهد جدید کاملاً متفاوت از نقش او در عهد قدیم است. تصویر شیطان در عهد جدید به قرآن کریم شباهت بیشتری دارد. او برای نخستین بار در کتاب مقدس همان ماری معرفی می‌شود که آدم و حوا را فریفت و عامل گناه و سقوط آنها شد. با وجود این، با توجه به آنچه عهد قدیم از داستان آن مار حکایت می‌کند، نمی‌توان شخصیت وی را کاملاً منفی ارزیابی کرد؛ زیرا آنها پس از خوردن از میوه ممنوعه، عالم به خیر و شر شدند.

بنابراین با مقایسه این متون در این باره می‌توان نتیجه گرفت که هر سه متن مقدس شیطان را دشمن انسان می‌دانند و یکی از نقش‌های شیطان در هر سه متن مقدس، آزمایشگر و امتحان‌کننده انسان است. در عهد قدیم دو نقش دیگر برای شیطان بیان می‌شود که در متون دیگر نیست: تهمت زننده و کارگزار خداوند بودن. قرآن کریم نیز نقش‌های کافر، ولی و خدمتکاری را برای شیطان بیان می‌کند که در عهدین دیده نمی‌شود.

شباهت‌های این متون می‌تواند ناشی منشأ الهی و وحیانی مشترک آنها باشد. به نظر می‌رسد تفاوت‌ها ناشی از تحریف عهد قدیم به وسیله برخی از عالمان دینی یهود است.

او کافر شد. شیطان ولی و سرپرست کسانی است که ایمان نیاوردند. خدای متعال شیاطین را تسلیم سلیمان^ع کرد و برای او غواصی و بنایی می‌کردند. بنابراین اعمال او تنها با اذن الهی انجام می‌شود و به منظور آزمایش بنی‌آدم تا روز موعود به وی مهلت داده شده است.

در تبیین شباهت‌ها می‌توان گفت براساس آموزه‌های اسلامی، همه ادیان ابراهیمی دارای منشأ واحد بوده‌اند و تمامی کتب آسمانی برای هدایت بشر نازل شده‌اند. بنابراین شباهت‌های آنها با یکدیگر می‌تواند ناشی از منشأ الهی و وحیانی مشترک باشد.

در تبیین تفاوت‌ها به نظر می‌رسد اگرچه برخی از اختلافات متون مقدس می‌تواند به علت اقتضات زمانی و مکان نزول آنها باشد، اما در موضوعات مربوط به جهان‌بینی و اعتقادات، احتمال تحریف عهد قدیم به وسیله برخی از عالمان دینی یهود ممتنع نیست (دلایل تاریخی و قرآنی درباره تحریف متن مقدس یهودیان در برخی موارد وجود دارد).

البته برخی پژوهشگران، عامل این شباهت‌ها و تفاوت‌ها را تأثیر فرهنگی، ارتباطات جوامع بشری و اخذ و اقتباس ادیان از دیگر ادیان و متون مقدس دانسته‌اند. برای مثال در تبیین تفاوت تصویر عهد قدیم و عهد جدید از شیطان، معتقدند نویسندگان عهد جدید تحت تأثیر دیدگاه یهودیانی بودند که در اسارت بابلی به سر برده بودند و تحت تأثیر باورهای ایران باستان به تصویر منفی از شیطان رسیدند و او را منشأ شرور و دشمنی‌ها دانستند. البته این تبیین در مجال دیگری قابل نقد است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که متون مقدس سه دین اسلام، مسیحیت و یهودیت درباره نقش شیطان سخن گفته‌اند؛ اما دیدگاه آنها، با وجود شباهت‌ها، متفاوت است. در عهد قدیم نقش‌های شیطان عبارتند از: کارگزار خدا، آزمایش‌کننده ایوب^ع، تهمت زننده به یوشع و اغواگر داوود^ع. بنابراین در اغلب موارد وی نقشی منفی دارا نیست؛ بلکه یکی از ملازمان درگاه الهی است. شیطان مطیع و کارگزار الهی است کسی که به فرمان الهی مانع از نفرین بلعام شد و به این وسیله قوم برگزیده الهی را حفظ کرد. او فرشته‌ای است که مأموریت می‌یابد تا ایمان ایوب را بیازماید. او برای نخستین بار در کتاب زکریا و تواریخ

منابع.....

- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، عبدالسلام محمد هارون.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۹۸۸م، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر.
- توسلی، غلامعباس، ۱۳۸۶، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران، سمت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالعلم.
- سیداروس یسوعی، فاضل، ۱۹۸۶، *معجم اللاهوت الکتابی*، بیروت، دارالمشرق.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- فرامرزی قراملکی، احد، ۱۳۸۸، *روش‌شناسی مطالعات دینی*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، *الکتاب العین*، چ دوم، قم، هجرت.
- کتاب مقدس* (ترجمه قدیم)، ۲۰۰۲م، انتشارات ایلام.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۸، *جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و خدائشناسی در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معین، محمد، ۱۳۸۰، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، سرایش.
- مک آرتور، جان، ۲۰۰۷، *تفسیر عهد جدید* (ترجمه فارسی)، بی‌جا، گریس تو یو.
- Barnett, W. F., 2003, "Satan", *New Catholic Encyclopedia*, Edited by H. A. R. Gibb and others, Second Edition, Thomson Gale, USA, v. 12, p. 698-699.
- Easton, M. G., 1897, *Easton's Bible Dictionary*, Publisher, Grand Rapids, Retrieved from www.ccel.org/ccel/easton/ebd2.html.
- Fleming, Don, 2005, *Bridgeway Bible Commentary*, Bridgeway Publication, Australia.
- Hamilton, Victor P., 1992, "Satan", *the Anchor Bible Dictionary*, edited by N. Freedman, Doubleday, New York.
- Henry, Matthew, (n. d.), *Matthew Henry's Concise Commentary on the Bible*, Publisher: Grand Rapids, Retrieved from www.whitehorsemedia.com.
- Jamieson, Robert and others, 1961, *Jamieson, fausset and Brown's commentary on the whole Bible*, Zondervan Pub., Michigan.
- Longman Advanced American Dictionary, 2003, *Longman Third Published*, England.
- Navigatori, Alfred and Gurami Silkharulidze, 2015, *Origin and Mission of Satan*, Dani Publishing, Georgia.
- Rabinowitz, Louis Isaac, 2007, "Satan", *Encyclopaedia Judaica*, Edited by Fred Skolnik, second edition, Thomson Gale, USA, v. 18, p. 72-73.
- Rippin, A., 1986, "Shaytan", *Encyclopaedia of Islam*, Edited by H. A. R. Gibb and others, New Edition, Brill, Leiden, v. 9, p. 406-409.
- , 2001, "Devil", *Encyclopaedia of the Qur'an*, General Editor, Jane Dammen McAuliffe, Brill, Leiden, v. 1, p. 524-527.
- Sharma, Arvind, 2005, "Satan", *Encyclopedia of Religion*, Editor in Chief: Lindsay Jones, second edition, Thomson Gale, USA, v. 12, p. 8123-8126.
- Wary, T.J. and Gregory Mobley, 2005, *The Birth of Satan*, published by Palgrave MacMillan, New York.